

فلسفه و آداب باطنی حج بحثی از علامه مولی محمد حسن قزوینی

فلسفه و آداب باطنی حج

فلسفه تشریح حج

آداب باطنی حج

خودسازی در مراحل مختلف سفر

فلسفه و آداب باطنی حج

«کشف الغطاء عن وجوه مراسم الإهداء»، اثر نفیس مولی محمد حسن قزوینی (م ۱۲۴۰ هـ. ق.) در علم اخلاق است. نویسنده از شاگردان برجسته وحید بهبهانی است و از سید مهدی بحر العلوم اجازه روایت دارد. بحر العلوم در این اجازه، او را «عالم فاضل و محقق مدقق کامل» خوانده است. در نفاست این اثر همین بس که عارف نامدار شیعه مولی حسینقلی همدانی، مکرر از آن تعریف نموده و شاگردانش را به مطالعه آن امر می کرد. به همین دلیل، نسخ خطی متعددی از این کتاب، به قلم بعضی از شاگردان وی باقی مانده است.

برخی این کتاب را خلاصه ای از «جامع السادات» مولی محمد مهدی نراقی شمرده اند و به همین جهت این اثر ارزشمند، از سوی کنگره فاضلین نراقی به چاپ رسید.

مؤلف محقق و وارسته کتاب، در مقدمه کتاب می نویسد:

«از جمله کتب علم اخلاق، جامع السادات است که از من خواستند تا به دیده نقد و انتخاب بدان بنگرم و پوسته را از مغز آن جدا سازم. با آنکه اکثر مطالب آن را، که احادیث اهل بیت عصمت و دقایق افکار استوانه های حکمت را در بر دارد، مفید یافتم ولی خالی از تطویل و حشو و زواید خسته کننده برای طلاب و متعلمین این علم نیست، لذا تصمیم گرفتم کتابی تألیف کنم که مشتمل بر مطالب سودمند از کلمات بزرگان حکمت و اخبار عترت ظاهره باشد.»

و اکنون ما بحث حجّ این کتاب را، که حاوی «فلسفه تشریح حج» و مختصری از «آداب باطنی و معنوی اعمال در مناسک حج» است، به فارسی برگردان نموده، برای استفاده خوانندگان محترم مجله، تقدیم می داریم، باشد که مورد توجه علاقمندان بهویژه راهیان بیت الله الحرام و زائران رسول الله اعظم (صلی الله علیه وآله) قرار گیرد.

فلسفه تشریح حج

حج از بزرگترین ارکان دین است و تبیین احکام ظاهری آن، بر عهده فقهاست. هدف اصلی از آفرینش انسان «شناخت خدا» و «رسیدن به مقام حبّ و انس او» است که به صفا و پاکی و نفس آدمی بستگی دارد و صفای نفس نیز به نوبه خود، از راه حفظ و مراقبت نفس از شهوات و رهایی از دنیا و واداشتن آن به انجام اعمال دشوار قلبی و جوارحی حاصل می شود. غرض از تشریح عبادات نیز همین است؛ زیرا بعضی از عبادات، مانند صدقات و خمس، انفاق است که موجب انقطاع از دنیاست و بعضی مانده روزه جلوگیری از شهوات است و بعضی مانند ذکر، تجرّد از دنیاست. توجه قلب به حق تعالی نیز جز با دل کردن از زخارف دنیا ممکن نیست.

حج در میان عبادات، افزون بر همه جهات یاد شده، آثار و برکات دیگری هم دارد.

در حج، دوری از وطن و پیمودن منازل با رنج و مشقت، انفاق توأم با سختی و تجدید عهد و میثاق و تجرد از دنیا برای ذکر و انواع عبادات نهفته است. علاوه بر آن، حج حاوی اعمال و مناسکی است که عقل آدمی حکمت آن ها را درک نمی کند و طبع آدمی با آن مأنوس نیست، مثل رمی جمرات، تکرار سعی میان صفا و مروه و هروله میان دو مناره که اوج اخلاص و عبودیت در آن ها آشکار می شود؛ زیرا عقل در انجام اعمالی که فلسفه تشریح آن ها را درک می کند، به یاری شرع می شتابد ولی در اموری که عقل حکمتش را درک نمی کند، به خصوص شرع را یاری نمی کند و فقط انسان را اجمالا به اطاعت و امتثال فرا می خواند. و این یکی از اسرار تشریح امور تعبدی است.

هر يك از اعمال حج، آدمی را به بعضی از احوال آخرت راهنمایی می کند. افزون بر این، جمعیت زیادی در آن اجتماع می کنند، حج گزار به محل نزول وحی و فرود آمدن فرشتگان بر رسول امین و پیش از آن بر ابراهیم خلیل و محل اجتماع پیامبران و رسولان الهی و محل ولادت سرور پیامبران و بهترین برگزیدگان می رود و به مکان هایی قدم می گذارد که قدوم پیامبران الهی بدان شرافت مضاعف بخشیده است؛ چرا که حق تعالی با انتساب به خود، بدان شرافت داده و اطراف آن را حرم امن شمرده تا مردم در آن مأوی گزینند و عرفات را میدانی برای حرم مقرر نموده و حرمتش را با تحریم شکار آن و قطع درختش مورد تأکید قرار داده و مردم مأمور شده اند تا از هر منطقه ای با کمال سادگی و به دور از تجملات و تشریفات، با تواضع و فروتنی آهنگ آن کنند.

بی شك، چنین اجتماعی در این مکان، موجب انس و الفت و همنشینی صالحان و استوانه های فضیلت و نیکان است که از چهار گوشه مختلف جهان جمع شده، یکدیگر را بر تضرع و ابتهال (به معنای بالا بردن دست ها هنگام دعا که موجب تسریع در اجابت دعا می شود) یاری می کنند و نیز موجب احیای نام و یاد پیامبر و بزرگداشت اوست که باعث رقت قلب و صفای نفس می گردد.

حج چون از بزرگ ترین تکالیف و دشوارترین آن هاست، مثل رهبانیت برای این امت است، چون هنگامی که اعمال دشوار و ریاضت های سخت در میان امت های گذشته به خاطر فترت زمانی متروک و مندرس شده و از میان رفت و مردم به دنبال شهوات رفتند و از طاعات و عبادات فاصله گرفتند، خداوند، محمد (صلی الله علیه و آله) را برای احیای راه آخرت و تجدید سنت پیامبران برانگیخت. پیروان شرایع از رهبانیت و عزلت و گوشه نشینی در دین او پرسیدند، فرمود:

«جهاد و حج جایگزین رهبانیت و روزه جانشین عزلت و گوشه نشینی شده است.»

و این نعمت بزرگی از جانب خدا بر این امت است.

آداب باطنی حج

نکاتی که حاجی باید به عنوان آداب باطنی حج رعایت کند، عبارتند از:

1- اخلاص در نیت

حاجی جز امتثال امر الهی و رسیدن به پاداش او و پرهیز از عذاب خدا، هدفی ندارد. و هرگاه شائبه ریا، ترس از تقسیر مردم، خوف از فقر (ی که شایع شده باشد) که هرکس حج را ترك کند بدان گرفتار شود، قصد تجارت یا هدف دیگری در آن مد نظر باشد، شخص از دایره اخلاص خارج شده و مانعی در راه رسیدن به هدف مورد نظر خواهد بود. و کسی که به خاطر چنان پندارهای ضعیفی دشواری های فراوان حج را تحمل کند، جز ضرر و خسارت بر آن مترتب نخواهد شد.

2- توبه حقیقی

توبه خالص، ردّ مظالم و بریدن علاقه ای که موجب می شود آدمی به غیر خدا متوجه گردد، از آداب دیگر حج است. این ادب از آن جهت ضرورت دارد که زائر بیت الله الحرام قلبش را متوجه تعالی کند، گویا از این سفر باز نخواهد گشت و وصیتش را برای همسر و فرزندان بنویسد و برای سفر آخرت آماده شود و هنگام

تهیه اسباب و مقدمات این سفر و قطع دلبستگی هایش به یاد تهیه مقدمات سفر آخرت و قطع علائق دنیوی برای آن باشد. چقدر این سفر با سفر آخرت تشابه دارد و بدان نزدیک است!

3- تعظیم خانه خدا

قدر و منزلت خانه خدا و پروردگار کعبه را بزرگ دارد و بداند که اگر خانواده و وطنش را ترک می کند، به منظور امر مهم زیارت خانه خداست که شباهتی به سفرهای دنیوی ندارد. از این رو، باید متوجه باشد که در پی چیست؟ و اینکه با زیارت خانه خدا، در حقیقت به زیارت ملك الملوك می رود تا به اوج آرزویش برسد و با توجه به مولایش سعادتمند شود.

4- تخلیه دل

در این سفر، از آنچه که قلبش را در میان راه یا در مقصد به خود مشغول می کند - مانند معامله و امثال آن - خالی کند تا همه همتش برای خدا و همه حرکات و سکنات قلبش به یاد او و تعظیم شعائر او باشد.

5- انفاق در راه خدا

زاد و توشه سفر حاجی حلال باشد و از خرج کردن و بخشش و انفاق نمودن، ابایی نداشته باشد؛ زیرا انفاق مال در سفر حج، انفاق در راه خداست و يك درهم آن با هفتصد درهم انفاق در مکان ها و زمان های دیگر برابری می کند.

امام سجاد(علیه السلام) همواره در سفر حج از بهترین زاد؛ مانند گردو و شکر و آرد خالص و شیرین همراه می برد. البته اسراف و زیاده روی و مصرف انواع غذاها به مانند مترفین مکروه است، زیرا خیری در اسراف نمی باشد، اما بخشش فراوان به مستحقین، اسراف نیست؛ و اگر مالی در این راه ضایع شود یا گرفتاری برایش پیش آید، جزع و بی تابی نکند، اگر يك درهم در این راه تباه شود، مانند آن است که هفتصد درهم در راه خدا خرج کرده است.

6- اخلاق نیکو

خُلُق نیک، تواضع فراوان، پرهیز از درستی و غلظت در سخن گفتن و فحاشی کردن و حرف لغو زدن، خروج از طاعت الهی، مبالغه در دشمنی و مجادله با دیگران که حقد و کینه را به ارمغان می آورد، از آداب این سفر است. بدیهی است که حُسن خلق تنها پرهیز از آزار و اذیت دیگران نیست، بلکه تحمل اذیت دیگران و نرم خویی و تواضع نسبت به همراهان و متصدیان کاروان و همسفران است.

7- سادگی و پرهیز از تجملات

ساده و بدون تشریفات باشد، دنبال فخر فروشی و جمع کردن ثروت نباشد؛ چرا که در این صورت، در شمار متکبران بوده و از جمع ضعفا و مساکین خارج خواهد شد. چنان که بتواند مسیر مشاعر را پیاده طی کند و هدفش ریاضت نفس و تحمل سختی در راه خدا باشد، نزد خدا عملی بهتر از این نیست ولی اگر قصدش آن است که پول کمتری خرج کند، بهتر آن است که سواره برود و پول بیشتری خرج کند، همچنین اگر از پیاده روی ناتوان باشد.

امام حسن بن علی(علیهما السلام) معمولاً پیاده راه می رفت و مرکب ها را به همراه می برد تا هرگاه اراده کرد، سوار شود و خدا را سپاس می گفت که چهارپایان را مسخر او ساخته که دشواری سفر را بکاهد.

خودسازی در مراحل مختلف سفر

هرگاه زائر بیت الله الحرام از وطنش خارج شد و صحراها را برای رسیدن به میقات پیمود، مرگ و خروج از دنیا تا رسیدن به مرحله قیامت و دشواری ها و هول و هراس را به یاد آورد. از ترس راهزنان به یاد نکیر و

منکر در قبر بیفتد و از خطر حیوانات و درندگان راه به یاد مارها، افعی ها، عقرب ها و کرم های قبر بیفتد و با جدا شدن از خانواده اش وحشت تنهایی قبر را به یاد آورد. خلاصه آنکه در هر مرحله ای از این سفر، مرحله ای از مراحل زندگی پس از مرگ را یاد کند. آنگاه که وارد میقات شد و دو لباس احرام به تن کرد، پوشیدن کفن را به یاد آورد؛ همانطور که در خانه خدا او را با ظاهر همیشگی اش ملاقات نمی کنند، بعد از مرگ نیز چنین است. لباس احرام هم مانند کفن دوخته نیست.

هنگامی که احرام بست و لبیک گفت، به یاد آورد که ندای خداوند تعالی را پاسخ می دهد و مردد باشد که آیا به او پاسخ مثبت می دهند یا نه؛ مانند شخص امیدوار و خائفی که بر قدرت و فضل و رحمت الهی متکی است، تلبیه نخستین مرحله اعمال اوست. نقل شده که امام سجاد علی بن الحسین (علیهما السلام) هر گاه محرم می شد و بر مرکب می نشست، رنگش زرد شده و اعضای بدنش می لرزید و نمی توانست لبیک بگوید و وقتی سؤال می شد: چرا تلبیه نمی گوئید؟ می فرمود: می ترسم که پروردگار بگوید: «لَا لَبَّيْكَ» و چون لبیک می گفت، بی هوش می شد و از مرکب به زمین می افتاد و تا پایان حج همین حالت خوف را به همراه داشت.

زائر خانه خدا باید از این ندا به یاد ندای روز قیامت بیفتد که مردم از قبرها عریان و پا برهنه بر می خیزند و عده ای قبول، عده ای مردود و عده ای هم مقرب درگاه خدا می شوند و با اینکه همگی در آغاز مردد اند، پس از مدتی وضعیتشان روشن می شود.

آن گاه که وارد مکه می شود، متوجه باشد که وارد حرم امن شده که هر که در آن داخل شود، از عذاب و سخط الهی در امان است. در عین حال بترسد که شاید او را طرد کنند و از حرم اخراج نمایند. گرچه باید امیدش بیش از ترسیدنش باشد؛ زیرا خانه خدا شرافت فراوانی دارد و صاحب خانه نسبت به هرکسی که بر او امید بسته باشد، کریم و بزرگوار و درهای رحمتش باز است و کسی که به سوی او کوچ نماید، مورد توجه اش قرار می گیرد. خداوند را بر این نعمت که او را به خانه اش رسانده و به زائران خانه اش ملحق ساخته سپاس گوید و از او بخواهد که لقالی خویش را همچون دیدار خانه اش ارزانی دارد.

هنگام طواف، قلبش را آکنده از تعظیم، محبت و ترس از خدا سازد و در این مرحله، خود را همچون فرشتگان الهی که بر اطراف عرش الهی طواف می کنند، حس کند و توجه داشته باشد که غرض از طواف، آن است که قلبش به صاحب خانه متوجه باشد نه اینکه فقط جسمش بر گرد خانه بچرخد. روح طواف توجه قلب به محضر ربوبی است و خانه کعبه در عالم شهادت مثال آن محضر ربوبی است.

این نکته در روایت وارد شده که بیت المعمور در آسمان ها مثال کعبه در دنیاست و فرشتگان بر گرد آن می چرخند؛ چنان که انسان ها بر گرد خانه کعبه طواف می کنند.

هنگام لمس حجر الأسود به هوش باشد که این سنگ به منزله دست راست خدا در زمین است که با او مصافحه و بیعت می کند.

هنگام لمس و چسبیدن به مستجار و قسمت های دیگر خانه، از خداوند محبت و علاقه به خانه و صاحب خانه را بخواهد و اینکه به برکت ملاقات با هر قسمتی از خانه خدا، از آتش جهنم ایمن باشد. وقتی که به پرده خانه متوسل می شود، خواستار عفو و امنیت الهی باشد و به کسی پناه ببرد که جز او پناهگاهی نیست، از او جدا نشود مگر بعد از عفو و امنیتش.

در سعی بین صفا و مروه مانند عیدی باشد که بارها به خانه مالکش رفت و آمد می کند تا اخلاص خود را در خدمتگزاری ابراز کند و امیدوار به توجه او به دیده رحمت باشد، و رفت و آمد میان دو کفه ترازوی قیامت را به یاد آورد که به کم و زیادی اعمالش می نگردد و میان عذاب و غفران الهی مردد و سرگشته است.

با وقوف در عرفات و در میان ازدحام جمعیت و سر و صدای زیاد آنان و اختلاف زبان هایشان و اینکه هر گروهی در مشاعر به دنبال رییس گروه است، به یاد عرصه های قیامت و مراحل دشوار آن و پراکندگی مردم با حالت سرگردان باشد و اینکه هر امتی به دنبال پیامبر خویش بوده و به شفاعت او نزد پروردگار عالم امیدوار است.

حاجی در این سفر به درگاه خدا تضرع کند و خواستار قبولی حجش و حشر با رستگاران باشد. روز عرفه روز شریف و موقف هم موقف عظیمی است. انسان ها در يك جا جمع، قلب ها به سوی حق متوجه و دستان مردم به سوی محضر ربوبی بلند است و گردن ها کشیده و چشم ها خیره و موقف از بزرگان و نیکان و صاحبان قلوب خالی نیست؛ از این رو، بعید نیست که به واسطه آنان فیض الهی به همگان نایل شود؛ چرا که از لطف و کرم او انتظار نمی رود که تلاش همگانی را ضایع سازد و به غربت و جدایی آنان از خانواده و فرزندان رحم و شفقت نیاورد. از این رو، در روایات وارد شده که از بزرگ ترین گناهان آن است که انسان در عرفات حاضر شود و گمان کند که آمرزیده نشده است.

هنگامی که از عرفات حرکت کرد و وارد مشعر الحرام شد، به یاد داشته باشد که خداوند پس از خروج او از حرم اجازه ورود داده، چون مشعر جزئی از حرم است و عرفات خارج حرم. با این ورود دوباره، به حرم امیدوار باشد که حجش مورد قبول واقع شده و به خدا نزدیک گشته و از عذاب او ایمن و از اهل بهشت شده است.

هنگامی که وارد منا شد و جمرات را رمی کرد، امتثال امر پروردگار و تشبیه به ابراهیم خلیل (علیه السلام) را قصد نماید. زمانی که شیطان بر ابراهیم ظاهر شد تا حجش را فاسد کند و خداوند برای طرد شیطان، امر فرمود تا بر او سنگ پرتاب کند. رمی جمرات نیز در حقیقت رمی شیطان و طرد او و به خاک مالیدن بینی اوست در راه امتثال خداوند و عبادات او.

هنگامی که قربانی را ذبح کرد، در واقع اشاره به این مطلب دارد که با انجام حج بر نفس و شیطان غلبه کرده و آن دو را هلاک نموده است، به همین جهت استحقاق رحمت و بخشش الهی را دارد؛ چنان که در حدیث وارد شده که در برابر هر عضوی از قربانی، عضوی از پیکر انسان از آتش جهنم آزاد می شود.

زائر بیت الله الحرام باید بکوشد که پس از انجام حج، اعمال و رفتارش بهتر از گذشته شود تا بدین وسیله بر اعمال و مناسکش صحه بگذارد و نشانه ای بر قبول حجش باشد؛ چنان که در روایات به این مطلب اشاره شده است.